

نقش پررنگ مادر

زهرادهنوی، مادر محمد طاها و فاطمه، زنی خوش برخورد و پراز مهر است و نقش مؤثری در انس فرزندان با قرآن داشته است. او تعریف می‌کند: محمد طاها که تازه شروع به حرف زدن کرده بود، به او یاد داد نام دوازده امام را به زبان بیاورد. دو ساله که بود، اسامی امامان را به ترتیب یاد گرفت. زهر خانم ادامه می‌دهد: علاقه ام به قرآن آن قدر بود که هر وقت فرزندانم را در آغوش می‌گرفتم، از همان شیرخوارگی زیر لب آیات قرآن را زمزمه می‌کردم. وقت بازی با محمد طاها بارها سوره‌های جزء ۳۰ را با هم تکرار کردیم تا پیش از رفتن به مدرسه، حافظ این جزء شد. او با افتخار می‌گوید: هر دو فرزندم وقتی بزرگ تر شدند و خودشان تمرین و تکرار داشتند، با آن‌ها مرور می‌کردم. الان به شکل پراکنده سوره‌هایی را حفظ هستیم، اما نمی‌توانم بگویم حافظ چند جزء هستیم. زهر خانم آرزو داشته است فرزندان نه تنها قرآن را حفظ کنند، بلکه آیات را با ترجمه بیاموزند و در زندگی روزمره خود به کار گیرند. او کوشیده هر دو فرزندش این مسیر را طی کنند و رفتار و منششان، نه تنها در خانه، بلکه میان دوستان، فامیل و همسایگان، نمونه و یابند باشد.

قرآنی که در حرم جاماند

محمد طاها بعضی روزها برای تمرین و مرور آیات، به حرم مطهر می‌رود تا پس از زیارت و نماز، چند صفحه ای قرآن تلاوت کند. او می‌گوید: فضای حرم حس و حال خاصی دارد، روح را آرام می‌کند و مرور آیات در آنجا حس خوشایندی به من می‌دهد. همیشه کتاب قرآن خودم را همراهم می‌برم؛ چون به آن عادت دارم. سه سال پیش، وقتی از حرم برمی‌گشت متوجه شد کتاب قرآنش را جا گذاشته است. لحظه ای دلش گرفت، چون سال‌ها با آن تمرین کرده بود، اما خیلی زود با خودش گفت قرآنم را در جای خوبی جا گذاشته‌ام. روز بعد، قرآنی مشابه همان قبلی تهیه کرد. حضور در حرم و آرامشی که در این فضا داشت برایش شیرین بود که با کتاب قرآن جدیدش دوباره به حرم رفت.

تأسی به شهید ابراهیم هادی

محمد طاها اهل مطالعه و علاقه مند به کتاب‌های مربوط به زندگی نامه شهدا، مسائل سیاسی و تربیتی است. او می‌گوید: کتاب‌های مقام معظم رهبری و حجت الاسلام والمسلمین قرائتی را بسیار مطالعه می‌کنم. خواندن این کتاب‌ها نگاهم به جهان پیرامون را تغییر داده و کمک می‌کند در بحث‌ها و تبادل نظرهای دینی و اجتماعی، پاسخ‌های بهتری بدهم. مطالعه برای او راهی بود تا الگوی زندگی‌اش را پیدا کند: خواندن کتاب «سلام بر ابراهیم» که درباره زندگی شهید ابراهیم هادی است، برایم لذت بخش بود. اخلاق و رفتار این شهید تأثیر عمیقی بر من گذاشت طوری که او را به عنوان الگوی خود انتخاب کردم. امیدوارم بتوانم همانند او، بی‌ریا و خالص خدمت کنم. محمد طاها امیدوار است هم سن و سال‌هایش متوجه شوند که حفظ قرآن کار دشواری نیست و می‌توان حتی با روزی چند آیه شروع کرد؛ وقتی می‌بینم دوستانم با تشویق من به کلاس‌های قرآن جذب شده‌اند، خیلی خوشحال می‌شوم.

صدای آشنای قرآن

فاطمه، فرزند کوچک خانواده، دوازده سال دارد و تاکنون سیزده جزء قرآن کریم را حفظ کرده است. او همانند برادر بزرگ‌ترش در کودکی حفظ سوره‌های کوچک جزء ۳۰ را آغاز کرده است. اما حفظ قرآن برایش از ۹ سالگی جدی‌تر شده است. او روزانه دو ساعت رابه قرائت و حفظ قرآن اختصاص می‌دهد و آرزو دارد همانند برادرش روزی حافظ کل قرآن شود. او هم برای رسیدن به این هدف، به مدرسه قرآنی رفته است. فاطمه تعریف می‌کند: تشویق‌های مادرم و دیدن تلاش برادرم برای حافظ شدن، باعث شد علاقه‌ام در این زمینه بیشتر شود. او ادامه می‌دهد: چون در خانه ماهمیشه صدای تلاوت قرآن هست، از کودکی با این صدا انس گرفته بودم. وقتی شروع به حفظ قرآن با صدای استاد منشاوی کردم، این صدا برایم آشنا بود. روزهای اول جزء ۲۰ را خیلی سریع حفظ می‌کردم. اما با بزرگ‌تر شدن سوره‌ها کمی کار برایم سخت شد، با این حال طبق برنامه ریزی، روزی دو صفحه حفظ می‌کنم. فاطمه گاهی از مادر و گاهی از محمد طاها می‌خواهد حفظیات او را گوش کنند؛ این کار باعث می‌شود مطمئن شوم چیزی را فراموش نکرده‌ام. روزانه حداقل دو ساعت تمرین می‌کنم، اما اگر وقت بیشتری داشته باشم، چند آیه اضافه هم می‌خوانم.

گل دوزی نام ائمه^(ع) هنر دست فاطمه

فاطمه علاوه بر علاقه‌اش به حفظ قرآن، عشق زیادی به گل دوزی دارد. تابلوهایی که نام ائمه اطهار بر آن‌ها نقش بسته و هنر دست اوست، بر دیوار اتاق و سالن خانه نصب شده است. فاطمه با اشاره دست‌ان‌ها را نشان می‌دهد: این کار من است و اوقات فراغتم را این‌گونه پرمی‌کنم.

همانند خانواده، فاطمه نیز به مسجد عباسی می‌رود و همراه دختران هم‌سن و سالش در جلسات مختلف فرهنگی شرکت می‌کند؛ دوره‌های دخترانه مسجد حس خوبی دارد. علاوه بر اینکه نکات اخلاقی یاد می‌گیریم، دوستان خوبی هم پیدا کرده‌ام. مادر درس نیز به یکدیگر کمک می‌کنیم.

